

کاربست مفهوم نوآوری در برنامه ریزی توسعه درون زای منطقه ای

راضیه رهنما^۱، محمدحسین رستمی*^۲

^۱ کارشناس ارشد برنامه ریزی منطقه ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران

^۲ کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

* نویسنده مسئول: mh.rostami70@yahoo.com

چکیده

پژوهش در دهه های گذشته، برنامه ریزان توسعه ای و سرزمینی، بخش قابل توجهی از زمان و انرژی خود را صرف جست و جوی مدل نوینی برای توسعه ای منطقه ای کرده اند. با توجه به تاکید توسعه ای درون زای بر سرمایه ای انسانی و نیز ویژگی های خاص مناطق که سبب رویکرد جدیدی از توسعه شده است، می توان با بهره گیری از نوآوری منطقه ای ۱ گامی در جهت توسعه ای پایدار برداشت. در این رابطه، مطالعه حاضر با هدف تبیین مفاهیم نوآوری و توسعه درون زای منطقه ای و پرداختن به سیر تحول اصول نوآوری منطقه ای، سعی در ارزیابی عوامل مؤثر بر نوآوری درون زای منطقه ای و همچنین ارائه یک الگو جهت استفاده از نوآوری در برنامه ریزی های توسعه منطقه ای دارد. بر این اساس، ماهیت پژوهش به لحاظ هدف، توسعه ای و به لحاظ رویکرد، کیفی می باشد و از روش مطالعات کتابخانه ای و بررسی منابع موجود و تحلیل محتوایی، بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که برخی عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر توسعه درون زای منطقه ای، منجر به ظهور مدل های منطقه ای شده و از توسعه دیدگاه های جدید حمایت کرده است که مهمترین این عوامل شامل محیط نهادی، سرمایه انسانی و کارآفرینی می باشد. همچنین مهمترین اصول بکارگیری نوآوری در توسعه منطقه ای نیز عبارتند از: نوآوری با توجه به ویژگی های زمینه ای منطقه، نوآوری با توجه به فرهنگ و ارتباطات اجتماعی تعریف شده در منطقه و نوآوری با توجه به مزیت های مکانی. توسعه درون زای منطقه ای به عنوان رهیافتی نوین با تاکید بر منابع انسانی و نهادی یک منطقه گام برمی دارد و نوآوری به عنوان یک بستر نهادی می تواند به عنوان یک اصل استفاده شود که در این رویکرد برخلاف دیگر رویکردهای سنتی با در نظر نگرفتن ویژگی های مناطق حرکت می کند. با توسعه و بلوغ بیشتر نهادها و نیروی انسانی در مناطق به صورت درونی، همچون توسعه نهادهایی چون دانشگاه ها، بنگاه ها و دولت های محلی، ظرفیت توسعه نوآوری در مناطق به شکل قابل ملاحظه ای افزایش می یابد و همین امر موجب می شود تا سیاست ها از حالت گزینشی به سمت سیاست های کارکردی تغییر جهت دهد. در نهایت، با توجه به آنچه که در این مطالعه بررسی شد، ساختاری از کاربرد رویکرد نوآوری در توسعه ای درون زای منطقه ای ترسیم گردید که از سه بخش اصلی (مسئله شناسی، ترسیم نقشه ای راه فناوری و حکمرانی شبکه ای) تشکیل شده است.

واژگان کلیدی: نوآوری، توسعه درون زای، توسعه منطقه ای، برنامه ریزی منطقه ای، شهرسازی.

¹ Regional innovation

مقدمه

رشد و توسعه نیازمند برنامه‌ریزی است و یکی از عوامل بسیار مهم در موفقیت برنامه‌ریزی‌های توسعه، وجود یک نظام برنامه‌ریزی جامع و کارآمد است. در دهه‌های گذشته برنامه‌ریزان توسعه‌ی منطقه‌ای و سرزمینی بخش قابل توجهی از زمان و انرژی خود را صرف جست‌وجوی مدل نوینی برای توسعه‌ی منطقه‌ای کرده‌اند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۶). سطوح منطقه‌ای و محلی به عنوان سطحی از فضای مدیریت و اجرای سیاست‌های توسعه‌ای همواره مورد توجه محافل علمی، سیاست‌گذاری و اجرایی بوده است. از دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توسعه‌ی منطقه‌ای و محلی به عنوان فعالیتی مهم، هم در سطح ملی و هم در سطح دولت‌های محلی و منطقه‌ای در سراسر جهان به طور روزافزونی مورد توجه قرار گرفته است (Pike, 2006). رویکردهای غالب به مطالعه مناطق به عنوان حوزه‌های بین‌رشته‌ای همواره در طول زمان تمایل به تغییر و تحول داشته‌اند، به طوری که در ابتدای قرن بیستم از طرف متفکرانی همچون گدس^۲ و مامفورد^۳ مطالعات منطقه‌ای، بر اساس برنامه‌ریزی، ابتدا به‌عنوان حوزه چارچوب‌بندی شد که به دنبال رویکردهای جامع‌نگر و هنجاری نسبت به مطالعه نواحی بزرگ جغرافیایی (عمدتاً شهرها و پسرکرانه‌های آنها) بود؛ اما بعد از جنگ جهانی دوم، اقتصاد و علوم اجتماعی و به‌ویژه علوم جغرافیایی به طور روزافزونی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را تحت تاثیر قرار داد و در نتیجه آن، برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیز از مسایلی همچون شکل شهر و برنامه‌ریزی فیزیکی دوری جست و به سوی مسایلی در ارتباط با جغرافیای اقتصادی - منطقه‌ای تغییر جهت داد. در این راستا منطقه‌گرایی مارکسیستی^۴ نیز در دهه ۱۹۷۰ با نوشته‌های هاروی^۵، کاستلز^۶ و سایر نویسندگان ظهور یافت که با وارد کردن انتقادهایی در زمینه قدرت و پویایی اجتماعی به تحلیل‌های توسعه اقتصادی منطقه‌ای پرداختند. در علوم سیاسی نیز بحث‌های مفصلی در زمینه ترتیبات نهادی مناسب برای حکمروایی، به‌ویژه در نواحی متروپلیتن ارائه شد. با این توصیف در روند تکاملی این اندیشه، در اوایل دهه ۱۹۹۰ نگرانی‌هایی که در زمینه پراکندگی حومه‌ها، تراکم ترافیک، نابرابری‌های شهر و حومه، تخریب محیط‌زیست و یکنواختی چشم‌انداز محیط‌های انسان‌ساخت به وجود آمده بود، باعث شکل‌گیری طیفی از جنبش‌های جدید در عرصه مطالعات منطقه‌ای گردید. در این جنبش‌ها، اجتماعات سرزنده، توسعه‌ی پایدار، اجتماعات محلی، ظرفیت‌های جوامع، نهادهای کارآمد، سرمایه اجتماعی، حکمروایی چند سطحی و رقابت پذیری مناطق در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی به عنوان مفاهیمی که هم در قالب اهداف و هم ابزارهای توسعه‌ی منطقه‌ای شناخته شدند، مورد توجه جدی قرار گرفتند (Wheeler, 2002).

بدین سان می‌توان گفت که از بعد اندیشه توسعه‌ای و از لحاظ محتوایی و تکامل زمانی تئوری‌ها و مفاهیم توسعه منطقه‌ای و محلی روندی را طی کرده‌اند که از تئوری‌های نئوکلاسیک رشد همگرایی منطقه‌ای و محلی به تئوری‌های مؤخرتر توسعه منطقه‌ای و محلی هم‌چون توسعه پایدار منطقه‌ای و محلی، توسعه درون‌زا، مناطق یادگیری و نهادگرایی حرکت کرده‌اند (Cap ello, 2009).

توسعه درون‌زا^۷ به مفهوم توانایی جوامع در بسیج منابع درونی، هم‌زمان با انتقال از اقتصاد مبتنی بر تولید فیزیکی به اقتصاد دانش‌بنیان و تاکید بر سرمایه انسانی، سبب ساز دگرگونی در نظریه‌های رشد شده است (شریف زادگان & ملک پور اصل، ۱۳۹۴). با توجه به تاکید توسعه‌ی درون‌زا بر سرمایه‌ی انسانی و نیز ویژگی‌های خاص مناطق که سبب رویکردی جدیدی از توسعه شده است، می‌توان با بهره‌گیری از نوآوری منطقه‌ای^۸ گامی در جهت توسعه‌ی پایدار برداشت (Pike, 2006).

بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، بررسی ارتباط متقابل توسعه درون‌زای منطقه‌ای و نوآوری می‌باشد که شامل اهداف جزئی زیر می‌شود:

- تبیین مفاهیم نوآوری و توسعه درون‌زای منطقه‌ای و مؤلفه‌های کاربردی آنها
- بررسی سیر تحول اصول نوآوری منطقه‌ای و مطابقت آن با نظریه‌پردازان شهری و منطقه‌ای
- ارزیابی عوامل مؤثر بر نوآوری درون‌زای منطقه‌ای به منظور کاربست آن در برنامه‌ریزی‌های توسعه منطقه‌ای
- ارائه الگوی نحوه کاربست مفهوم نوآوری در برنامه‌ریزی‌های توسعه منطقه‌ای

² Geddes

³ Mumford

⁴ Marxist Regionalism

⁵ Harvey

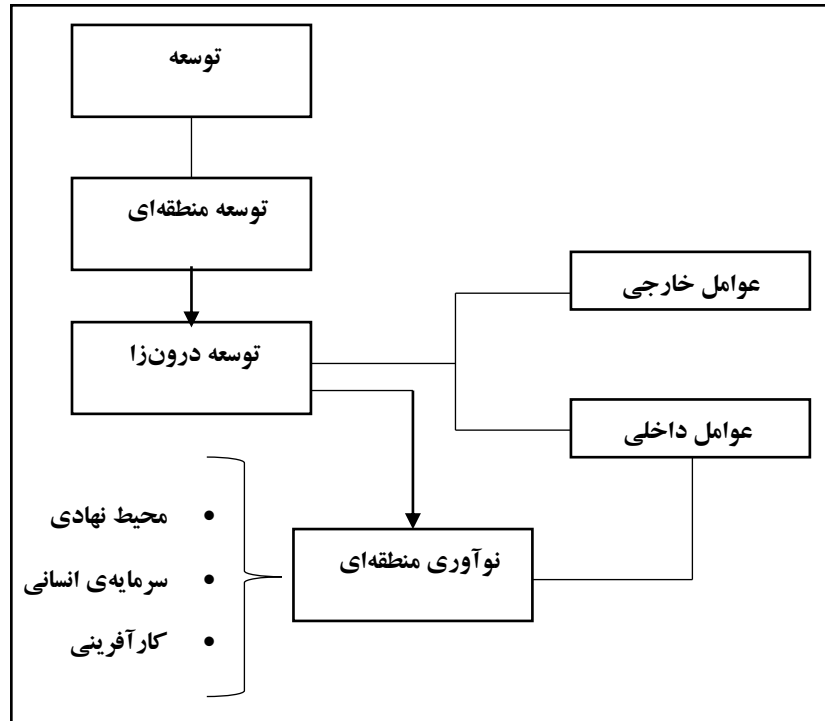
⁶ Castells

⁷ Regional endogenous development

⁸ Regional innovation

روش پژوهش

منظور از روش شناسی، بیان و ارائه‌ی هدفمند اصول و قواعدی است که راهنمای انجام تحقیق است. بر این اساس، روش شناسی متناسب با نوع، هدف و موضوع پژوهش متفاوت خواهد بود. مطالعه‌ی حاضر با توجه به هدف‌گزاری صورت گرفته، بر اساس ماهیت پژوهش به لحاظ هدف، توسعه‌ای و به لحاظ رویکرد، کیفی است. در این راستا، از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع موجود در جهت بررسی مفاهیم، اصول و پیشینه پژوهش استفاده گردیده و با روش تحلیل محتوایی، سعی در تحلیل و ارائه الگوی مد نظر شده است. در شکل زیر، فرآیند پژوهش صورت گرفته در قالب ساختار جمع‌بست مطالعاتی ارائه شده است.



شکل ۱: ساختار جمع‌بست مطالعاتی پژوهش

پیشینه پژوهش

شریف‌زادگان و ملک‌پور (۱۳۹۵) در پژوهشی به نام نگرش نهادی به برنامه ریزی توسعه درون‌زای منطقه‌ای، ضمن تعریف توسعه‌ی درون‌زا هدف اصلی این پژوهش را پاسخگویی به چستی توسعه درون‌زا و دیگری شناسایی مسیر دستیابی به رهیافتی نوین در ارتباط با توسعه درون‌زا در عرصه برنامه‌ریزی است که فرآیند پاسخگویی به این دو پرسش، شناسایی چگونگی الزام‌های به‌کارگیری رهیافت نهادی می‌داند. بنابراین در این پژوهش با تحلیل فرآیند دگرگونی تفکر اقتصادی و شکل‌گیری زمینه‌های گرایش نهادی در توسعه و تعیین جایگاه توسعه درون‌زا در این فرآیند، مبانی فکری نگرش سنتی و نوین به توسعه منطقه‌ای را آشکار کرده است. در نتیجه در فرآیند این پژوهش دریافته‌اند که به‌کارگیری رهیافت نهادی در برنامه‌ریزی دستیابی به توسعه درون‌زا، سبب گسترش تعامل‌های دولت و افراد، روابط علی‌پایین به بالا، نظارت و کنترل مردم بر تصمیم‌های دولت می‌شود و رهیافت یکپارچه‌ای در ارتباط با توسعه منطقه‌ای شکل می‌گیرد و این همان هدفی است که در نهایت توسعه درون‌زا در پی دستیابی به آن است. (شریف‌زادگان و ملک‌پور اصل، ۱۳۹۴).

محمدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به نام طراحی چارچوب مفهومی توسعه نوآوری سازگار با مناطق برای کشورهای در حال توسعه : مطالعه موردی کشور ایران، با بیان توجه به موضوع نوآوری در توسعه منطقه‌ای در کشور در سالیان اخیر تشریح کردند، نظریه پردازانی که رویکرد گسترده و سیستمی مفهوم نوآوری را پذیرفته‌اند به ویژگی زمینه‌ای بودن نوآوری تأکید دارند و بر این عقیده‌اند که نه تنها هر کشوری مسیر توسعه ویژه و یگانه‌ای دارد بلکه مناطق مختلف یک کشور نیز با توجه به تفاوت‌های اقتصادی، فرهنگی، دانشی و اجتماعی خود، مسیر و راهکارهای ویژه خود را در توسعه نوآوری دارند. در این پژوهش تلاش شده با استفاده از رویکرد (IDCR) تحلیل محتوای تجمیعی، یک چارچوب مفهومی و عملیاتی (مدل مرجع) توسعه نوآوری سازگار با مناطق ارائه گردد. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه کتب، گزارشات پژوهشی

و مقالات منتشرشده در فاصله سال های 1995 تا 2017 در حوزه سیاست نوآوری منطقه ای بوده است که در نهایت 7 کتاب، 73 مقاله و 13 گزارش سیاستی در این خصوص مورد بررسی قرار گرفته است. و در نهایت در این پژوهش نیز به منظور اعتباربخشی و انطباق چارچوب طراحی شده با شرایط کشور، مدل ارائه شده در خصوص مناطق کشورمان به کار گرفته شده است. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

طیبی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله ای به عنوان نقش شهرهای دانش بنیان و نوآور در توسعه شهری و منطقه ای، با بیان این مسیله که استفاده مداوم از درآمدهای ناپایدار شهری برای توسعه شهرها مشکلی جدی است؛ هدف پژوهش را بررسی نقش مناطق دانش بنیان در توسعه شهری و منطقه ای بر اساس مبانی نظری و تجربیات جهانی قرارداده اند و از روش اسنادی و کتابخانه ای به مطالعه مبانی نظری و سوابق تجربی و پیشینه علمی پرداختند. این پژوهشگران دریافته اند که پیوند بین افراد خلاق و سرمایه گذاران عمده و حکمروایان شهری و منطقه ای، محیط مساعدی برای ظهور مفهوم جدیدی در جامعه علمی تحت عنوان "شهر دانش بنیان" را فراهم می آورد، دو نیروی پیشران در شکل گیری شهرها و مناطق دانشی، ساختار فضایی برنامه ریزی را در سه سطح برنامه ریزی منطقه ای، برنامه ریزی شهری و طراحی شهری را تغییر می دهد. (طیبی و همکاران، ۱۳۹۹).

ملکی و نیجکامپ (۱۹۸۸) در پژوهشی به عنوان تکنولوژی و توسعه منطقه ای: برخی اندیشه ها در مورد سیاست ها، ابعاد فضایی تحولات تکنولوژیک مورد بحث قرار دادند. پژوهشگران اشاره کردند که توجه ویژه به کارآفرینی و عوامل آن ها به نفع ظهور شرکت های جدید و نوپا است. در این مقاله ضمن بررسی برخی از زیرساخت های اطلاعاتی، مفاهیم سیاست های منطقه ای و تکنولوژی را تشریح کردند (Malecki & Nijkamp, 1988).

موسسه ی فران هافر (۲۰۱۲) در گزارشی به عنوان توسعه منطقه ای در متن فرایند نوآوری، هدف این گزارش را شناسایی مولفه های اصلی و نیروهای محرک یک فرایند نوآوری به منظور حمایت از مناطق در سازماندهی "روند نوآوری درون زا" بیان می کند. بدین منظور جهت تشریح هدف پیش گفته مدل های فرایندی نوآوری را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. به طور کلی این گزارش به ما این امکان را می دهد که ورودی های کلی برای ایجاد یک فرایند نوآوری درون زا شناسایی و مورد استفاده قرار دهیم (Fraunhofer Institute for Systems and Innovation Research, 2012).

جدول ۱: جمع بندی از پیشینه پژوهش و آموزه های یادگیری آن

مؤلفه	آموزه های یادگیری
نهادی	- گسترش تعامل های دولت و افراد - روابط علی پایین به بالا - کنترل مردم بر تصمیم های دولت
جغرافیایی - اجتماعی	توجه به ویژگی زمینه ای هر موقعیت جغرافیایی
اقتصادی	ترکیب نوآوری همراه با کارآفرینی
تدقیق مسئله و مفهوم	شناسایی ورودی ها جهت موفقیت در فرایند نوآوری

یافته ها

مفهوم توسعه

توسعه در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، همواره یک پدیده اقتصادی تلقی می شد، ولی از دهه ۱۹۷۰ مفهوم توسعه دگرگون شد و یک مفهوم چند بعدی را در بر گرفت که دستیابی به آن مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی، تسریع رشد مستمر اقتصادی، کاهش نابرابری ها و حذف فقر می باشد. توسعه قرآینی است که «قابلیت ها» و «استحقاق های» مردم را برای زندگی کردن، به روشی که ارزشمند است بسط می دهد. بنابراین، توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی تر توجه به قابلیت ها و استحقاق ها است. توسعه یک مفهوم چند بعدی است و همه امور اقتصادی - فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه را برمی گیرد و دستیابی به توسعه مستلزم تغییرات اساسی در ساخت هر یک از ابعاد آن است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۳).

توسعه مستلزم داشتن ساختاری اندامواره است؛ یعنی هر جز دقیقاً باید در هماهنگی و تناسب با اجزای دیگر انجام دهد. اگر غیر از این باشد، معلولیت آن جز یا همان اجزای مشخص می شود. آن معلولیت ممکن است به مرگ آن خطمشی توسعه به طور کلی و حتی زوال یک ایدئولوژی، قوم، ملت و یا حتی کشور منجر شود (یزدی و سناجرودی، ۱۳۹۳).

الف - توسعه منطقه‌ای

توسعه منطقه‌ای فرآیند یکپارچه‌ای متشکل از عناصر اجتماعی، اقتصادی، اکولوژیکی و بخشی، مبتنی بر مزیت‌های نسبی منطقه‌ای، حاصل تعاملات و روابط افقی بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاستی تأثیرگذار، عملیاتی پایین به بالا و فعالیتی، نهادهایی که توسط نهادهای محلی و منطقه‌ای اعم از دولت‌های محلی، نهادهای منطقه‌ای و نهادهای مردمی و خصوصی راهبری، هدایت و قوام می‌یابد (Pike, 2006).

ب - توسعه درون‌زای منطقه‌ای

رهیافت توسعه درون‌زا به عنوان رهیافتی نوین در اقتصاد ملی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت و به یاری آن سازمان‌ها و نهادها، راهبردهایی را به منظور پاسخگویی به چالش رقابت در سطح جهانی تدوین و طراحی کردند (Adelman, 2002).

توسعه درون‌زا به مفهوم توانایی جوامع در بسیج منابع درونی، همزمان با انتقال از اقتصاد مبتنی بر تولید فیزیکی به اقتصاد دانش بنیان و تأکید بر سرمایه انسانی، سبب ساز دگرگونی در نظریه‌های رشد شده است. توسعه درون‌زا، انگاشتی است که ابتدا به عنوان ۱۹۹۰ راهنمای عمل برای تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان در سطح ملی مطرح شد و رهیافتی نوین در اقتصاد ملی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت و به یاری آن سازمان‌ها و نهادها، راهبردهایی را به منظور پاسخ‌گویی به چالش رقابت در سطح جهانی تدوین و طراحی کردند. از اواخر دهه میلادی در سطح منطقه‌ای نیز مورد توجه برنامه‌ریزان توسعه اقتصادی منطقه‌ای قرار گرفته است (Stimson, Stough, & Roberts, 2006).

توسعه‌ی درون‌زا موضوعی پیچیده، چندوجهی، میان‌بخشی و حتی فرابخشی است، که نه فقط یک کار فیزیکی - کالبدی است بلکه دارای ابعاد قوی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی نیز هست (Farris, 2001). در این رابطه با اشاره به تأثیرگذاری عواملی که سبب رشد منطقه می‌شوند، می‌توان فهمید در دهه‌های گذشته و فعلی کدامیک از عوامل موثرتر بوده‌اند. این عوامل عبارتند از:

- **عوامل خارجی:** این عوامل بر روی زمینه محلی تأثیر نمی‌گذارند و به شیوه اتفاقی یا عمدی منتقل می‌شوند (مثلاً حضور شرکت‌های چند ملیتی در منطقه، نصب یک زیرساخت تصمیم گرفته شده توسط مقامات خارجی)

- **عوامل داخلی (درون‌زا):** در داخل منطقه ظاهر و توسعه می‌یابد و منجر به روند توسعه خود می‌شود (مثال: مهارت‌های کارآفرینی، تولید محلی، کیفیت بازیگران / نهادهای محلی، نوآوری، دانش، شبکه‌های یادگیری، مزایای نزدیکی فیزیکی و غیره). تسلط این نیروها (خارج و یا درونی) منجر به ظهور مدل‌های منطقه‌ای شده است و از توسعه دیدگاه‌های جدید حمایت کرده است.

بنابراین اگر در دهه ۹۰ توسعه تئوری نئوکلاسیک تحت تأثیر نیروهای خارجی بود (رشد درآمد سرانه به میزان پس‌انداز خارجی وابسته بود)، لیکن ما اکنون شاهد نوع جدیدی از رویکرد به طور خاص (اما نه منحصر) بر نیروهای داخلی و توسعه توانایی‌های خود می‌باشیم. از این رو وقتی که دانش و فناوری در رویکرد درون‌زا به مثابه موضوع درون منطقه‌ای تلقی می‌شود، فرایندهای یادگیری و روابط شبکه منطقه‌ای در پویایی درازمدت و پایدار نوآوری در منطقه نقش برجسته بازی می‌کند. در عین حال، تغییرات فناوری و انتشار فن‌آوری‌ها متغیرهای درونی‌اند که به سازوکارهای بازار واکنش نشان می‌دهند. اثرات خارجی مثبت با استفاده از سرمایه‌گذاری فناوری، اشتغال و بازتوزیع درآمد در جامعه تولید می‌شود. توسعه تحقیقات، مهارت‌های کارآفرینی، تولید محلی، نوآوری، دانش، شبکه‌های یادگیری و غیره به عنوان موتور رشد اقتصادی محسوب می‌شوند (Daniela, 2015).

نوآوری منطقه‌ای

عواملی چون کاهش اهمیت مرزهای ملی و توسعه‌ی فراملی توانمندی‌های فناورانه موجب شده است تا مفاهیمی مانند نوآوری در مناطق به ویژه در میان پژوهشگران و سیاست‌گذاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود (Enright, p. 2001).

شومپتر^۹ نوآوری را کاربرد تجاری یا صنعتی چیزی جدید - محصول، فرآیند یا روش تولید جدید؛ یک بازار یا منبع تأمین جدید؛ یک شکل جدید از سازماندهی تجاری، کسب‌وکار یا تأمین مالی جدید تعریف می‌کند (Schumpeter, 1961).

نوآوری در یک بستر اجتماعی، سیاسی و نهادی که به شدت با ویژگی‌های اقتصادی منطقه‌ای گره خورده است، شکل می‌گیرد. نوآوری، یک فرآیند وابسته به جغرافیا و منطقه است که در آن توانمندی‌های محلی هم‌چون منابع، نهادها، ارزش‌های عمومی و فرهنگی محرک‌های اصلی هستند (Doloreux, D. & Parto, S., 2005). تعاملات میان بخش‌های مختلف منطقه از جمله بخش‌های فنی، تجاری، قانونی، اجتماعی و مالی به توسعه، محافظت، تأمین مالی یا قانون‌گذاری در حوزه نوآوری و فناوری کمک می‌کنند. به طور کلی مناطق می‌توانند با تغییر در مدیریت نوآوری خود، از یک توسعه میان مدت و بلندمدت اطمینان حاصل کنند (Ferarra, 2012).

⁹ Schumpeter

سیری در اصول نوآوری منطقه‌ای

پس از جنگ جهانی دوم که مقوله‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای اهمیت ویژه‌ای یافت، جریان‌های فکری متفاوتی در حوزه‌ی توسعه‌ی نوآوری در مناطق شکل گرفت که برخی از آنها با وجود داشتن مشابهت‌هایی، دارای تفاوت‌های ماهیتی زیادی هستند. بر اساس یک ارزیابی کلی می‌توان سه اصل اساسی را که در تمامی مکتب‌های فکری حوزه‌ی توسعه‌ی نوآوری در مناطق مشترک هستند، شناسایی نمود. این سه اصل عبارتند از:

• **نوآوری با توجه به ویژگی‌های زمینه‌ای منطقه:** به طور عمده به موضوع وضعیت امکانات فیزیکی موجود، منابع انسانی و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه‌ی صنعتی و فناورانه می‌پردازد.

• **نوآوری با توجه به فرهنگ و ارتباطات اجتماعی تعریف شده در منطقه:** به ویژگی ارتباطات اجتماعی و فرهنگ در مناطق اشاره دارد. ایجاد شبکه‌های محلی، روابط متقابل، اعتماد و سرمایه‌ی اجتماعی از جمله موارد آن به شمار می‌رود.

• **نوآوری با توجه به مزیت‌های مکانی:** اشاره به نزدیکی مکان به بازارهای اصلی، ویژگی ارتباط با سایر مناطق و به طور کلی اهمیت جغرافیای سیاسی و اقتصادی مکان دارد.

اما بین مکتب‌های فکری مختلف نیز تفاوت‌های زیادی وجود دارد. باید اشاره نمود که اصلی‌ترین این تفاوت‌ها در درک واژه‌های مشترک است. برای نمونه، واژه‌هایی مانند نوآوری و فرهنگ در دیدگاه‌های فکری متفاوت، معنی‌های متفاوتی دارد. (Moulaert, 2003).

درخصوص توسعه جغرافیایی، که در رویکرد سیستم نوآوری منطقه‌ای مطرح است، می‌توان چند نظریه اثرگذار را برشمرد. بیشترین پشتوانه نظری برای فهم این رویکرد از جانب اقتصاد تکاملی، اقتصاد نهادی، اقتصاد منطقه‌ای جدید، اقتصاد یادگیری، اقتصاد نوآوری و نظریه‌ی شبکه‌ها بوده است. این بحث‌ها عمدتاً مربوط به نوآوری فناورانه بوده و به وجوه ماهیت پیچیده‌ی نوآوری می‌پردازند. در نتیجه، رویکرد سیستم نوآوری منطقه‌ای بیشتر ترکیبی از نظریه‌های موجود است تا تمرکز بر یکی از آنها.

جدول ۲: ویژگی دیدگاه‌های فکری غالب در توسعه نوآوری منطقه‌ای و سیر تحول تاریخی آن (Moulaert, 2003) و (Doloreux, D. & Parto, S., 2005)

نوع دوره	سیر تاریخی	عوامل متمایز کننده	نوع نگاه به نوآوری و فرهنگ
ناحیه‌ی صنعتی	توسط باگناسکو ^{۱۰} مطرح شد.	تاکید بر ظرفیت نوآوری بنگاه‌های کوچک و متوسط که متعلق به صنعت و مکان مشترک است	نوآوری فناورانه مورد توجه است
محیط نوآور	توسط مجموعه گرمی و ایدالوت ^{۱۱} مطرح شد.	تاکید بر فضای بنگاه‌ها که مشتمل بر تولید، بازار و محیط حمایت کننده است.	نوآوری مبتنی بر اعتماد و عمل متقابل در محیط است.
نظام محلی تولید	مفهوم عمومی شده ناحیه صنعتی است که در نگاه به خارج با ناحیه‌ی صنعتی متفاوت می‌باشد.	هموار کننده رویکرد توسعه‌ی محلی از طریق ایجاد گفت‌وگو بین گسترش صنعت محلی که از جامعه‌ی محلی نشأت گرفته و فشار اقتصادی خارجی که ناشی از سطح ملی و بین المللی است.	نقش بستر فرهنگی _ اجتماعی در توسعه مد نظر دارد.
خوشه‌ی صنعتی	بیشتر بر پایه‌ی دیدگاه‌های پورتر ^{۱۲} است.	بر تجمعی از بنگاه‌های صنعتی در یک منطقه‌ی جغرافیای اشاره دارد. بیشتر تاکید بر بازار و رقابت است.	مبتنی بر ایجاد شبکه‌ای از بنگاه‌ها در راستای زنجیره‌ی ارزش دارد.

¹⁰ Bagnasco

¹¹ Aydalot

¹² Porter

مبتنی بر شبکه سازی است.	بر اقتصاد تراکمی، سازمان صنعتی، نظام تولید انعطاف پذیر و حکمرانی منطقه ایی تاکید دارد.	درمورد خوشه های نوآوری و منطقه ایی ریشه ایی تحلیل یکسانی وجود ندارد ولی از مهم ترین رویکردها به تحلیل سانکسیان در بررسی دره سیلکون است.	خوشه ی منطقه ایی
مبتنی بر یادگیری از طریق تعامل متقابل	تاکید بر محیط حامی نوآوری و ساختارهای نهادی و تکاملی نوآوری فناورانه نیست بلکه یک فرایند سازمانی است	از دهه ی ۱۹۹۰ مطرح شد. دو رویکرد نسبت به آن وجود دارد: (۱) آن رازیر سیستم نظام نوآوری ملی می داند. (۲) آن را نسخه ی کوچکتر نظام ملی نوآوری می داند.	نظام منطقه ایی نوآوری
مبتنی بر شبکه سازی و عمل متقابل اجتماعی با تاکید بر تعامل بیشتر زندگی اجتماعی و اقتصادی	اتصال مفهوم پارادیم شبکه ایی _ مثل تعامل فعال نوآوری و سرمایه اجتماعی _ در توسعه منطقه ایی نوآوری یک فرایند تعاملی است.	از دهه ی اخر قرن ۲۰ با نظریات و دیدگاه های عمدتا کوک ^{۱۳} ، مورگان ^{۱۴} و اشیم ^{۱۵} در سطح بین المللی مطرح شد. منطقه یادگیرنده عمدتا رویکردی ترکیبی از نظام نوآوری، اقتصاد تکاملی، اقتصاد نهادی، فرایند یادگیری و پویایی های نهادی منطقه ایی است.	منطقه ی یادگیرنده

عوامل مؤثر بر نوآوری درونزای منطقه ایی

الف - محیط نهادی

محیط نهادی بر شدت و ماهیت تعامل میان بنگاه ها و بین بنگاه ها و دانشگاه ها و جریان های سرمایه بین بنگاه ها و مؤسسات تأثیر دارد و می تواند به تقویت فرایند یادگیری و نوآوری منجر شود. (زمانی میاندشتی، ۱۳۹۷).

از مفهوم "درهم تنیدگی نهادی" برای این منظور استفاده و پیشنهاد می کنند که حضور نهادی قوی و سطوح بالای تعامل میان بنگاه ها و نهادها در یک منطقه مشخص، پیوندهای محلی قوی را ایجاد می کند. در چنین محیطی، نوآوری ستانده یک فرایند جمعی و انتشار یافته است. جایی که پایه های یادگیری و نوآوری از طریق کانال های ارتباطی متنوع جذب می شوند، تلفیق می شوند و از این رو می توانند به تقویت یادگیری و نوآوری بنگاه ها و در نتیجه مزیت رقابتی در منطقه مساعدت نمایند.

آنچه در ارتباط با نقش نهادها در دستیابی به توسعه درونزای منطقه ایی حایز اهمیت است، نشان دهنده آن است که برنامه ریزی توسعه درونزا مبتنی بر رهیافت نهادی، پدیده ای همگن نیست و اشکال متنوع برنامه ریزی در این ارتباط قابل ردیابی است. (شریف زادگان و ملک پور اصل، ۱۳۹۴).

ب - سرمایه انسانی

سرمایه ی انسانی موجودی شایستگی ها، دانش، ویژگی های اجتماعی و شخصیتی شامل خلاقیت، تجسم در توانایی برای انجام کاری جهت تولید ارزش اقتصادی است. سرمایه ی انسانی دید اقتصادی جامعی از انسان فعال در اقتصاد است، در حالی که تلاشی برای کسب پیچیدگی بیولوژیکی، اجتماعی، روانشناسی و فرهنگی است به طوری که در اثرات متقابل اقتصادی یا صریح با هم تقابل دارند (Pike, 2006). در حوزه سیاست گذاری نیز موضوع توسعه ی نوآوری در مناطق اهمیت فراوانی پیدا کرده است (Doloreux, D. & Parto, S., 2005).

ج - کارآفرینی

شومپیتر کارآفرینی را به عنوان پدیده ای ناشی از عدم تعادل می بیند. او برای اینکه پویایی واقعی را در نظر بگیرد، مدل های تعادل منقطع را مطرح کرد. در این مدل ها، فرصت ها به صورت دوره ای و خارج از یک محدوده اقتصادی در اثر عواملی مانند ارائه منابع جدید، پیشرفت های تکنولوژیک و توسعه بازارها به وجود می آیند. شومپیتر معتقد است که تغییرات در تکنولوژی، نیروهای سیاسی، قوانین، عوامل اقتصاد کلان و روندهای اجتماعی، اطلاعات جدیدی را خلق می کند که کارآفرینان می توانند با استفاده از آن ها منابع را به روش جدیدی به وجود آورند و ترکیبات ارزشمندی را از آن ها خلق کنند (Schumpeter, 1942).

¹³ Cooke

¹⁴ Morgan

¹⁵ Asheim

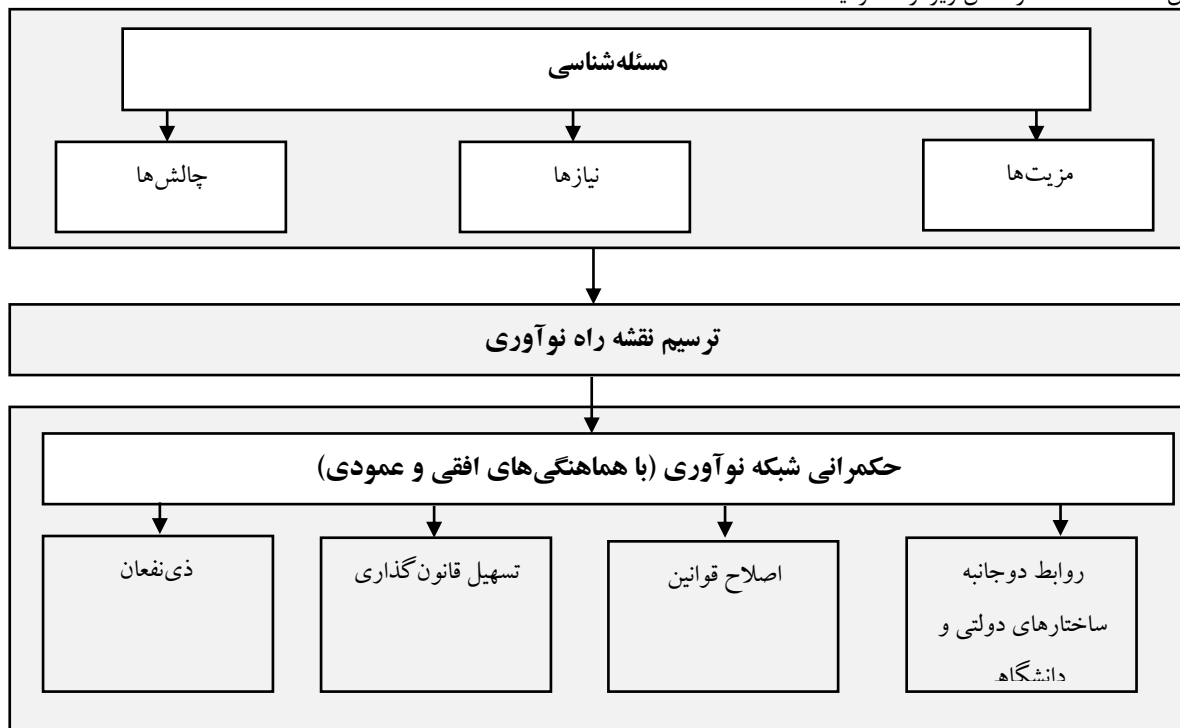
مؤسسات و نهادهای فعال در حوزه کارآفرینی در ابتدا تأکید کمی بر عامل محیطی داشتند و بیشتر ویژگی‌های فردی را مورد تأکید قرار می‌دادند، اما در سال‌های اخیر بر عوامل محیطی و اجتماعی تأکید بیشتری شد؛ به‌گونه‌ای که در آخرین مدل ارائه شده توسط دیده‌بان جهانی محیط‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اولین اثر را بر چرخه کارآفرینی می‌گذارد. کارآفرینی در سال‌های اخیر محققان به این باور رسیده‌اند که فعالیت‌های کارآفرینانه به صورت اتفاقی در فضا و بین اما کن توزیع نشده‌اند (Suk Lee, 2005) و کارآفرینی و نوآوری از لحاظ جغرافیایی تمرکز شده‌اند (Glaeser & Kerr, 2009).

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه مناطق برای حفظ قابلیت رقابتی خود و ارتقاء آن به نوآوری نیاز دارند. تحول ارزش‌ها و معیارهای اقتصادی در راستای اقتصاد دانش بنیان موجی از تغییر و تحولات در مناطق پدید آورده است. می‌توان با ارتباط آن با رویکردهای نوین توسعه این ارتقا را به سمت مطلوب هدایت کرد. توسعه درون‌زای منطقه‌ای به عنوان رهیافتی نوین با تأکید بر منابع انسانی، نهادی یک منطقه گام برمی‌دارد و نوآوری به عنوان یک بستر نهادی می‌تواند به عنوان یک اصل استفاده شود که در این رویکرد برخلاف دیگر رویکردهای سنتی با در نظر نگرفتن ویژگی‌های مناطق حرکت می‌کند. بنابراین سعی در شناخت این ویژگی‌ها و به کارگیری آن‌ها با توجه به این نگرش نوین در توسعه دارد تا بتواند منطقه را در مسیر رشد قرار دهد. آنچه درباره رشد درون‌زا دارای ارزش است تأکید بر اهمیت عوامل محلی در برابر عوامل بیرونی در خلق و حفظ توسعه‌ی با ثبات است. به این دلیل الگوهای رشد درون‌زا نقشی فعال برای سیاست عمومی، کنش‌گران بومی در ترویج توسعه‌ی اقتصادی در نظر می‌گیرند. با توسعه و بلوغ بیشتر نهادها و نیروی انسانی در مناطق به صورت درونی، همچون توسعه‌ی نهادهایی چون دانشگاه‌ها، بنگاه‌ها و دولت‌های محلی، ظرفیت توسعه‌ی نوآوری در مناطق به شکل قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد و همین امر موجب شود تا سیاست‌ها از حالت گزینشی به سمت سیاست‌های کارکردی تغییر جهت دهد.

ارائه الگوی نحوه کاربست مفهوم نوآوری در برنامه‌ریزی‌های توسعه منطقه‌ای

با توجه به آنچه که در این مطالعه بررسی شد، سعی گردید تا با وام‌گیری از مفاهیم مورد بررسی، ساختاری از کاربرد رویکرد نوآوری در توسعه‌ی درون‌زای منطقه‌ای ترسیم شود. این ساختار از سه بخش اصلی (مسئله‌شناسی، ترسیم نقشه‌ی راه نوآوری و حکمرانی شبکه نوآوری (با هماهنگی‌های افقی و عمودی)) تشکیل شده است که در شکل زیر ارائه گردیده است.



شکل ۲: مدل فرایندی استفاده از نوآوری در برنامه‌ریزی توسعه‌ی درون‌زای منطقه‌ای

مراجع

- زمانی میاندشتی، محمد (۱۳۹۷). معرفی سیستم نوآوری منطقه ای. فصل نامه علمی - ترویجی سیاست نامه علم و فناوری.
- رضایی، مسعود؛ بخشنده نصرت، عباس و دریاباری، سیدجمال. (۱۳۹۶). کاربرد برنامه ریزی استراتژیک در مدیریت و برنامه ریزی کلان شهر تهران. مدیریت شهری.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی. (۱۳۸۳). مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه (جلد اول). ۵۴_۵۵_۵۶_۷۶_۱۵۵_۶۰۸: سازمات مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- شریف زادگان، محمدحسین و ملک پور اصل، بهزاد. (۱۳۹۴). نگرش نهادی به برنامه ریزی توسعه ی درون زای منطقه ای. فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریز و بودجه.
- طبیبی، سیدحمیدرضا؛ رفیعیان، مجتبی؛ ماجدی، حمید و زیاری، یوسفعلی. (۱۳۹۹). نقش شهرهای دانش بنیان و نوآور در توسعه شهری و منطقه ای. دانش شهرسازی.
- محمدی، یونس؛ مقبل با عرض، عباس؛ باقری مقدم، ناصر و افسر، امیر. (۱۳۹۷). طراحی چارچوب مفهومی توسعه نوآوری سازگار با مناطق برای کشورهای در حال توسعه: مطالعه موردی کشور ایران. فصلنامه علمی پژوهشی بهبود مدیریت.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین. (۱۳۹۳). نظریه های شهر و پیرامون. تهران: مرکز تحقیق و توسعه ی علوم انسانی.
- Adelman, I., Economic Growth and Social Equity in Developing Countries. Stanford University Press . (2002).
- Glaeser, E., & Kerr, W., Local Industrial Conditions and Entrepreneurship: How Much of a Spatial Distribution Can We Explain? In: Entrepreneurship: Strategy and Structure. Journal of Economics and Management Strategy .(2009).
- Cap ello, R., Handbook of regional growth and development . Edward Elgar Publishing Limited . (2009).
- Daniela, A., Theoretical approaches of endogenous regional development. Institute of National Economy. (2015).
- Doloreux, D. & Parto, S., Regional Innovation Systems: Current Discourse and Unresolved Issues. Technology in Society, Volume 27., (2005).
- Enright, M., Regional Clusters: What We Know And What We Should Know, s. 2001: Paper presented at the Kiel Institute International Workshop. (2001).
- Farris, T. J., The Barriers to Using Urban Infill Development to Achieve Smart Growth. Housing Policy Debate (Fannie Mae Foundation). (2001).
- Ferarra, M. M., Innovation Policies in Mediterranean Regions. In GlobaMED Research Paper Series. (2012).
- Fraunhofer Institute for Systems and Innovation Research., Regional Development in the Context of an Innovation Process. Karlsruhe, Germany: www.isi.fraunhofer.de. (2012).
- Malecki, E., & Nijkamp, P., Technology and regional development: some thoughts. Environment and Planning C: Government and Policy. (1988).
- Moulaert, F., Territorial Innovation Models: A Critical Survey. Regional Studies. (2003).
- Pike, A. R.-P., Local and regional development. . London: Rutledge. (2006).
- Schumpeter, J., Creative Destruction , Capitalism, Socialism and Democracy. (1942).

- Schumpeter, J., The Theory of Economic Development An Inquiry into Profits, Capital, Credit, Interest, and the Business Cycle. Harvard Economic Studies. (1961).
- Stimson, R., Stough, R., & Roberts, B., Regional economic development: analysis and planning strategy. Springer Science & Business Media. (2006).
- Suk Lee, Y., Entrepreneurship, Small Businesses and Economic Growth in Cities: An Empirical Analysis. Freeman Spogli Institute for International Studies. (2005).
- Wheeler, S., The new regionalism: Key characteristics of an emerging movement. . journal of the American planning Association, 260_270, (2002).